

Conceptualization and Existential Necessity of Bailiffs in the Obvious Crimes of the Criminal Procedure Law of Iran 2013

Mersad Rajabi¹

Received: 27 August 2023

Hossein Habibi Tabar*²

Reception: 2 December 2023

Mahmoud Qayyumzadeh³

Abstract:

The political and judicial system of countries has felt the need for justice officers to establish justice and maintain social order and protect the rights of citizens. Considering the current needs of today's society and the evolution in the type of crimes, with the approval of the Criminal Procedure Law approved in 2012, acceptable changes and innovations have been made compared to the previous laws, and attention to human dignity and citizenship rights has been shown and new fronts have been found. However, some of the crimes that occur at the community level are known as visible crimes in law. The existence of obvious crimes is a strong proof of the necessity of the bailiff as an agent of criminal justice. Without the existence of a judicial officer, it is not possible to deal with obvious crimes and protect the rights of citizens. Considering this necessity, the law of criminal procedure has dealt in detail with the position and characteristics of the bailiff. This article is trying to explain the concept of judicial officers and their necessity to establish order and protect citizens' rights.

Keywords: criminal procedure, judicial officers, justice, law, obvious crimes

¹ Department of Law, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

²Department of Law, Faculty of Humanities, Saveh branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran (corresponding author)
Habibi.tabar@yahoo.com

³ Department of Law, Faculty of Humanities, Saveh branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

[http://doi.org/ 10.30510/pscci.2024.477541.1072](http://doi.org/10.30510/pscci.2024.477541.1072)

مفهوم شناسی و ضرورت وجودی ضابطین دادگستری در جرایم مشهود قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ ایران

مرصاد رجیبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

حسین حبیبی تبار*^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

محمود قیوم زاده^۳

چکیده:

نظام سیاسی و قضایی کشورها برای برقراری عدالت و حفظ نظم اجتماعی و پاسداری از حقوق شهروندان ضرورت وجود ضابطین دادگستری را احساس کرده است. با عنایت به نیازهای فعلی جامعه کنونی و تحول در نوع جرائم، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قوانین سابق تغییرات و نوآوری‌های قابل قبولی وضع شده است و همچنین توجه به کرامت انسانی و حقوق شهروندی نمود و جلوه‌های نو پیدا کرده است. با این وجود بخشی از جرایمی که در سطح جامعه به وقوع می‌پیوندد در علم حقوق به جرم مشهود معروف شده‌اند. وجود جرایم مشهود دلیلی محکم بر ضرورت وجود ضابط دادگستری به عنوان کارگزار عدالت کیفری است. بدون وجود ضابط دادگستری رسیدگی به جرایم مشهود و پاسداری از حقوق شهروندی ممکن نیست. با توجه به چنین ضرورتی قانون آیین دادرسی کیفری به صورت مفصل به جایگاه و ویژگی‌های ضابط دادگستری پرداخته است. این مقاله در تلاش است تا ضمن مفهوم شناسی از ضابطین دادگستری، ضرورت وجودی آن‌ها برای برقراری نظم و حفظ حقوق شهروندان را بیان نماید

کلید واژه: آیین دادرسی کیفری، جرایم مشهود، حقوق، ضابطین دادگستری، عدالت.

^۱ گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

^۲ گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول) Habibi.tabar@yahoo.com

^۳ گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

قانون آیین دادرسی کیفری، از مهم‌ترین قوانین پایه‌ای و اساسی هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق این قانون اجرا می‌شود. مقررات نظام دادرسی و سازمان قضایی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه گذشته، چندین بار دچار تغییرات و دگرگونی کلی شده است. تغییرات مزبور، علاوه بر سازماندهی نظام دادرسی کیفری، خود موجب بروز بی‌نظمی و نابه‌هنجاری‌های متعددی در سیستم قضایی و وضعیت حقوق شهروندی شده است، آنگونه که همگان در زمان حذف قانون دادرسی و قانون احیاء دادرسی شاهد بوده‌اند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ هم برای یک دوره سه ساله آزمایشی مقرر شده و قابلیت اجرا خواهد یافت و امکان تغییر در آن نیز ممتنع نخواهد بود.

ضابطین دادگستری در کنار دادرسی و دادگاه‌ها، با انجام وظایف و اختیارات قانونی، در فرایند کیفری حضوری فعال دارند. براساس ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری «ضابطین دادگستری، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.» ضابطین دادگستری به نوعی می‌توان آنها را بازوان اجرایی نهاد قضایی دانست. در ادامه مقاله جایگاه ضابطین دادگستری در جرایم مشهود پرداخته می‌شود.

الف) چارچوب مفهومی

۱- تعریف ضابط دادگستری در گذر زمان

ضابط، مأمور اجرایی امینی صالح، ناظر و نگهبان دژهای سلطنتی، مأمور اجرا دادگاه بخش، معاون کلانتر (به معنایی که کشورهای غربی از آن استفاده می‌شود) می‌باشد. ضابط لفظ عربی از ریشه ضبط است و معانی مختلفی از جمله حفظ کننده، حاکم، قائد، قوی، مرد باهوش ضابط دارد. (عمید، ۱۳۸۲: ۸۳). تعریف ضابطین دادگستری چنین بیان داشته است: «ضابطین دادگستری یا پلیس قضایی مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمومی یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم، حفظ آثار دلایل آن

و جلوگیری از فرار و اختفای متهم به موجب مقررات قلنون اقدام می‌کنند.» (آخوندی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۳) ماده ۱۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۲۹۰ در تعریف ضابطین دادگستری چنین مقرر داشته است: «ضابطین عدلیه عبارتند از مامورینی که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم و اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید به عمل آید.» در سالهای اخیر قانونگذار براساس لغات و اصطلاحات جدید و تغییراتی که در اسامی مقررات قانونی بوجود آورده است، چندان در ماهیت امر در نقش و وظایف ضابطین دادگستری تغییر حاصل نموده بلکه در تعاریف جدید قانونی ملزم به رعایت اصطلاحات و واژگان جدید در تعریف ضابطین بر آمده است. لذا با توجه به اینکه ضابطین دادگستری بازوی اجرایی دادسراها و دادگاهها در انجام وظایفشان هستند ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۸۷ ضابطین دادگستری را این طور تعریف کرده است: ضابطین دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند.

۲-۱: ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

برابر ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطین دادگستری شامل مأمورانی می‌شود که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. با این تعریف می‌توان ادعا کرد که زیربنای کشف جرائم، دستگاه پلیس به عنوان ضابط قضایی است. چون صرف نظر از جرائمی که شکات مستقیماً به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند و جرائمی که در مرئی و منظر دادستان‌ها یا سایر مقامات دادسرا اتفاق می‌افتد، اغلب جرائم مهم بدو یا از طریق سامانه ۱۱۰ یا توسط شاکی به دستگاه پلیس گزارش می‌شود و یا گشت‌های پلیسی به لحاظ حضور دائم در سطح شهر، با طیف وسیعی از جرائم که در ملاء عام و به صورت مشهود اتفاق می‌افتد مواجه می‌گردند. به دیگر سخن، هرچند ظاهراً تحت نظارت و تعلیمات دادستان‌ها، اما در عمل پی‌جویی و کشف جرائم، وظیفه ذاتی نیروهای پلیس است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۸: ۴)

از مجموع تعاریف بعمل آمده این نکته اساسی قابل توضیح است شاخص اول در شناخت ضابطین در تعاریف بعمل آمده مأمور بودن ضابط می‌باشد. در ایران آن بخش از نیروهای پلیس که در کلانتری‌ها، آگاهی و پاسگاه‌های قضایی خدمت می‌کنند و آموزش‌های لازم را دیده و موفق به اخذ کارت ضابطیت گردیده‌اند، پلیس قضایی محسوب می‌شوند و سایر کارکنان پلیس، بر خلاف منطوق قانون آیین دادرسی کیفری سابق که نیروی انتظامی را عموماً ضابط عام دادگستری می‌دانست، مسئولیتی از حیث وظائف ضابطین متوجه آنها نمی‌باشد.

۳-۱: ویژگی‌های اساسی ضابطین دادگستری

نخستین ویژگی ضابطین دادگستری این است که آنها را قانون تعیین و معرفی نموده است و هیچ کس نمی‌تواند راساً ضابط دادگستری شود و از اختیارات ضابط برخوردار گشته و از این اختیارات استفاده نماید مگر اینکه این اختیار را قانون به نحوی به او تفویض کرده باشد. **دوم** آنکه ضابطین دادگستری بصورت مستقل و مستقیم به وظایفشان عمل نمی‌کنند بلکه در هر جرمی مطابق دستور مقام قضایی و تحت نظارت و تعلیمات او اقدام می‌نمایند مگر در موارد خاصی همچون جرائم مشهود که اقدامات اولیه ضابطین با توجه به شرایط مصرح در قانون انجام گرفته و گزارش آن به مقام قضایی اعلام می‌گردد. (خرم آبادی و احمدی موحد، ۱۳۸۱: ۱۳)

۲- جرائم مشهود

در کل قوانین آیین دادرسی ایران به صراحت تعریف مشخص از جرائم مشهود ارائه نشده است و در قوانین ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲ صرفاً مصادیق جرم مشهود را نام برده است که چه جرایمی جز جرائم، مشهود تلقی می‌شوند. از آخرین قانون مصوب جاری کشور در آیین دادرسی در امور کیفری جرائم مشهود بشرح ذیل ذکر شده است. «الف- در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شود یا ماموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. ب- بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن شخص معینی را بعنوان مرتکب معرفی کنند. پ- بلافاصله پس از وقوع جرم، علایم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب ادله یاد شده به متهم محرز گردد. ت- متهم بلافاصله پس از وقوع

جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیری شود. ث- جرم در منزل یا محل سکنای افراد اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود ماموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند. ج- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد. چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.»

در تعریف جرم مشهود گفته شده است: «جرم مشهود...جرمی است که وقوع یا اثر آن مورد مشاهده ضابطین دادگستری قرار گیرد» (زراعت، ۱۳۷۰، ج ۱: ۹۹) «قانونگذار، جرم مشهود را گسترده‌تر از معنوی لغوی آن معرفی نموده است. یعنی جرم مشهود فقط به زمانی اطلاق نمی‌شود که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده باشد همین که فاصله زیادی از وقوع آن نگذشته باشد و انتساب آن به متهم محرز باشد جرم را مشهود دانسته است» (مدنی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۱) «جرم مشهود به عمل مجرمانه‌ای گفته می‌شود که لندکی پس از وقوع کشف شود و آثار و علائم جرم نیز قبل رویت و بازرسی می‌باشد». (صانعی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۸۷) «مرتکب در حین ارتکاب غافلگیر شده و دلایل جرم هم مشهود است». (شامبیانی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۶۲) برخی از حقوق‌دانان جرم مشهود را جرمی دانسته‌اند که مرتکب حین یا بلافاصله پس از ارتکاب جرم به طوری که بعد از ارتکاب از سوی ماموران قابل کشف و جمع آوری باشد، دستگیر شود. (باهری، ۱۳۸۱: ۱۹۱) اما ایرادی که بر تعریف آخر می‌توان وارد نمود این است که چه بسا در بسیاری مواقع متهم پاس از ارتکاب جرم، صحنه جرم را ترک و محل امنی را انتخاب و خود را از دید مأمورین مخفی یا با استفاده از شگردهای مختلف متواری می‌گردد. در این فرض که تمامی ارکان و عناصر جرم مشهود تحقق یافته است، صرف عدم دستگیری مرتکب جرم، نمی‌تواند شرط لازم وقوع جرم مشهود باشد زیرا دستگیری پس از وقوع جرم آن هم با شرایط مقرر در ماده (۲۱) ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ خود یکی از مصادیق جرم مشهود به شمار می‌رود. از نظر منطقی مصداق نمی‌تواند معرف جامع تعریف باشد، زیرا قانونگذار در ماده مرقوم یکی از مواد شش گانه احصاء شده را دستگیری متهم پس از ارتکاب جرم دانسته است و با این بیان موارد پنج گانه مد نظر قانونگذار از تعریف خارج می‌شود و این استنباط خلاف اراده قانونگذار است. در بررسی جامع‌تر در وظایف ضابطین دادگستری در جرائم مشهود که

بصورت مصداقی بتوان موضوع را مورد بحث و بررسی بیشتری قرار داد و اینکه ضابطین چگونه می‌توانند حوزه جرائم مشهود را تشخیص داده و برابر وظایف قانونی خود عمل نمایند یا اینکه جرم غیر مشهودی جرم مشهود فرض نموده و در این صورت مرتکب عمل و اقدام غیر قانونی شوند. قبل از بحث و بررسی در خصوص هریک از موارد جرائم مشهود قانونگذار جرم را چنین تعریف نموده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.» (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) با این تعریف بسیاری از جرائم هستند که قانون‌گذار رفتار مزبور را جز جرائم قلمداد نموده است مثلاً کسی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری تجهیزات دریافت از ماهواره (دیش و سایر لوازم آن را) در دست خود حمل می‌نماید^۱ می‌تواند جزء جرائم مشهود باشد.

۲-۱. جرائم مشهود واقعی

برابر بند الف ماده ۴۵ ق.آ.د.ک جرم در صورتی مشهود است که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شود یا مأموران یاد شده بلافاصله در محل جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. در سطر اول ماده مذکور ابهام قلیل اعتنایی وجود ندارد و قانون‌گذار رفتار مجرمانه‌ای که در جلو چشم مأمورین اتفاق افتاده را مشهود دانسته است. به عنوان مثال در لحظه وقوع جرم چاقوکشی یا نزاع، مأمورین گشت کلانتری اتفاقاً از ابتدا نزدیک به صحنه جرم حضور دارند و شاهد زد و خورد نزاع‌کنندگان هستند، یا بلافاصله از مکانی نه چندان دور تجمع و دعوا را دیده و احساس خطر کرده خود را به محل رسانده‌اند، در این حالت هم بنا به وظیفه ذاتی و هم تحت عنوان ضابط، پلیس مکلف است به ماجرا خاتمه داده و متهم یا متهمین احتمالی را دستگیر کند و عنداللزوم صحنه جرم و آثار باقی مانده را حفظ و آلات و اسباب جرم را ضبط و نگهداری کرده مراتب را صورت جلسه نماید و اگر شاهد یا مطلعی در صحنه جرم حضور داشت اسم و نشانی و شماره تلفن و سایر مشخصات او را اخذ و در پرونده درج کند (ماده ۴۴). اما تردید زمانی آغاز می‌شود که پلیس علی‌رغم این که بلافاصله رسیده لیکن فقط آثار جرم را می‌بیند و اصطلاحاً «لحظه وقوع جرم را از دست داده است» (سطر

۱. بند الف ماده ۹ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره

دوم، بند الف، ماده ۴۵) مثلاً می‌بیند که فردی بیهوش و خون‌آلود روی زمین افتاده و چند نفر نزدیک مجنی علیه ایستاده‌اند در حالی که چاقویی در دست یکی از آنها دیده می‌شود، در این جا ادله مادی و براهین عقلی نگاه را به سوی همان فردی معطوف می‌کند که چاقو در دست دارد و ظاهراً مظنون اصلی اوست هر چند در دستگیری و توقیف وی باید جانب احتیاط را رعایت کرد. چه بسا او ناآگاهانه و یا به قصد کمک و حفظ آلت جرم (تبصره ۱ ماده ۴۵) فقط چاقو را از روی زمین برداشته باشد و با دستگیری‌اش شاید ضارب اصلی فرصت را مغتنم شمرده و از صحنه بگریزد. البته وفق ماده ۲۴ قانون پلیس و ادله کیفری، در حقوق انگلستان صرف ظن معقول یا حتی تصور مقرون به صحت ضابطین برای دستگیری فرد مظنون به ارتکاب فرد، در صدد ارتکاب جرم یا مرتکب جرم کفایت می‌کند (Hungerford. 2004. 6)

۲-۲. جرائم مشهود حکمی

قبل از ذکر مصادیق و تبیین جرائم در حکم مشهود، لازم است تأکید شود که این گونه جرائم در حقیقت مشهود نیستند، اما چون در اینجا اوضاع و احوال خاصی وجود دارد که ظن قوی بر انتساب جرم واقع شده به فرد معینی را ممکن می‌سازد، لاجرم قانون‌گذار این حالات را نیز جرم مشهود، فرض نموده است. بند ب ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از مصادیق جرم مشهود را زمانی می‌داند که بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع یا بلافاصله پس از آن شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند. البته اگر ضابطین در حین وقوع به صحنه جرم رسیده باشند که اساساً نیازی نیست کسی به عنوان مرتکب معرفی شود چون خودشان ناظر ماجرا هستند و می‌بینند چه اتفاقی در شرف وقوع بوده و یا چه اتفاقی افتاده است، اما این بند می‌تواند مربوط به زمانی باشد که پلیس بلافاصله به صحنه جرم رسیده و احتمالاً متهم نیز در بین افراد تجمع‌کننده حضور دارد و فرصتی برای فرار نیافته است، در این حالت اگر مجنی علیه شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کند بر این مبنا می‌توان نسبت به توقیف مظنون اقدام نمود. البته گاهی دیده می‌شود که بزه‌دیده قصد فریب پلیس را داشته و با صحنه‌سازی سعی می‌کند که اتفاقی را که قبلاً رخ داده چنین وانمود کند که الآن واقع شده و شاید با قلب واقعیت می‌خواهد برای شخصی پاپوش درست کند که در این شرایط قبل از دستگیری مظنون نباید هیچ گونه ابهام و تردیدی

وجود داشته باشد و صرف معرفی کردن مجنی علیه، دلیلی بر وقوع جرم نبوده برای دستگیری دیگران تحت عنوان متهم کفایت نمی‌کند.

بند ۴۵ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری موضوع را پیچیده‌تر کرده و اشعار دارد متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود. ناگفته پیداست که قصد در واقع اراده‌ای بر انجام کاری است که در ذهن افراد شکل می‌گیرد و تا نمود و بروز خارجی نداشته باشد، اساساً برای دیگران قابل درک نخواهد بود. بنابراین هر کسی در حال دویدن باشد را نمی‌توان متهم فرض کرد، فرار از صحنه جرم زمانی موجب مشهود قلمداد شدن جرم می‌شود که از سوی «متهم» انجام گیرد و چون مأمورین در این وضعیت صحنه اصلی را از دست داده‌اند سؤال این است که آیا به صرف فرار کردن فردی می‌توان او را متهم محسوب کرد؟ چه بسا فردی بی‌گناه از بیم درگیر شدن در ماجرای که اتفاق افتاده، بهتر می‌داند قبل از این که پلیس سر برسد به سرعت از محل دور شود. از سوی دیگر فرار کردن می‌تواند قرینه‌ای بر ارتکاب جرم باشد و نباید پلیس به آسانی از آن چشم‌پوشی نماید، در هر صورت این جا نیز باید پلیس را از سردرگمی نجات داده و فارغ از اصل ضرورت، تشخیص و واکنش وی را محترم شمرد. به دیگر سخن اگر در این شرایط پلیس به نحو متعارف و عقلایی به فرد در حال فرار مظنون شد و به همین علت وی را تعقیب و دستگیر نمود. در صورت اشتباه در تصمیم‌گیری باید از تبعات قانونی آن مصون باشد.

بند ۴۵ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری بیشتر دامن‌گیر فوریت‌های پلیسی یا همان پلیس ۱۱۰ است. بدین ترتیب که افرادی تلفن می‌زنند و با طرح ادعاهایی پلیس را به منزل یا محل سکونت خود فرا می‌خوانند. به عنوان مثال خانمی تماس می‌گیرد و با صدایی وحشت زده، سریع آدرس محل زندگی خود را اعلام و مدعی می‌شود با شوهر خود درگیر شده و شوهرش قصد دارد او بکشد. با قطع شدن تلفن، مأمورین صرف نظر از این واقعیت که اساساً درگیری‌های لفظی خانوادگی بین زن و شوهر جرم تلقی نمی‌شود و فقط از باب کمک به فردی که استمداد نموده، به سرعت خود را به آدرس اعلامی رسانده و زنگ را به صدا درمی‌آورند، مردی درب را باز می‌کند و می‌گوید که صاحب‌خانه است و با همسرش کمی جر و بحث داشته و در حال حاضر وضعیت عادی است و از مأمورین می‌خواهد آنجا را ترک نمایند.

بند چ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری در رابطه با ولگرد بودن متهم در جای خود می‌تواند جداً ضابطین را مردد و سردرگم نماید. از نگاه قانون‌گذار ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد. بند ۶ ماده ۲۳ قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۳۰ نیز، اگر متهمی اقامتگاه دائمی نداشت و یا در جایی مقیم نبوده و مسکن و مأوای معینی نداشت را از مصادیق جرم مشهود تلقی نموده بود! بند ۶ ماده ۶ قانون چین نیز که می‌گوید «چنانچه هویت مظنون مجهول بوده و ظن قوی در این باره وجود داشته باشد که وی از جمله افرادی است که از محلی به محل دیگر می‌روند و مرتکب جرم می‌شوند» (خانلری المشیری، ۱۳۹۱: ۲۲۵۹) گرچه تفاوت مبنایی با بند چ ماده ۴۵ آیین دادرسی کیفری ایران دارد ولی به هر حال ولگردی را موجب تقویت ظن و موجبی برای دستگیری فرد مظنون دانسته است. مع الوصف پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که اگر فرض کنیم قتل یا ضرب و جرحی در جایی اتفاق افتاده و از قضا در آن محل فرد بی‌خانمانی روزگار می‌گذارند، چگونه می‌توان بی‌هیچ دلیلی و فقط بر این اساس که این فرد ولگرد است اتهام را به وی منتسب کرد؟

شاید گفته شود اگر بین فرد ولگرد با عمل مجرمانه ارتباطی وجود داشته باشد از مصادیق جرم مشهود تلقی می‌شود، در حالی که این فرض نیز درست به نظر نمی‌رسد، در حقیقت یا پلیس وقوع جرم را دیده یا دلایل و آثار باقی مانده جرم، وقوع آن را به فرد معینی منتسب می‌کند، این فرد خواه ولگرد باشد خواه نباشد. نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۷۷۳۸-۱۳۸۳/۱۰/۱۵ در این خصوص بیان می‌کند: «با توجه به مواد ۱۵ و ۱۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، اعتیاد جرم است... اگر خود معتاد، ولگرد باشد جرم مشهود تلقی می‌شود!! و اگر متهم به بزه اعتیاد، ولگرد نباشد جرم مشهود تلقی نمی‌شود و احضار یا جلب او فقط باید با دستور مقام قضایی باشد...» این نظر مشورتی نه تنها مشکل را برطرف نکرده بلکه به ابهامات افزوده است. در واقع از این نظریه می‌توان دو استنتاج متفاوت داشت، یکی این که نظریه را فقط به جرم اعتیاد محدود نماییم که در این حالت به فرد بیچاره‌ای که حتی پولی برای امرار معاش ندارد ظلم مضاعف می‌شود، یعنی علاوه بر این که بی‌خانمان و بی‌پول است، حتی اعتیاد احتمالی او هم جرم مشهود محسوب و هر آن در معرض دستگیری قرار می‌گیرد. در حالی که اگر

صرف اعتیاد جرم باشد، هر آدم معتادی که در ملاء عام و در سطح شهر تردد کند باید تحت عنوان جرم مشهود دستگیر شود نه این که بگوییم این فرد چون مثلاً کارخانه‌دار است، جرمش مشهود تلقی نمی‌شود ولی کارتن‌خواب بی‌نوا جرمش مشهود است. دوم این که نظر مشورتی را به همه جرائم تعمیم دهیم که در این حالت نیز به عنوان مثال، ارتکاب ضرب و جرح مشهود فرد ولگرد را باید مشهود بدانیم ولی اگر فرد پولداری در مرئی و منظر عام مرتکب ضرب و جرح دیگری شد جرم وی را مشهود تلقی نکنیم!! از این رو، همسو با نظر برخی از حقوق‌دانان که معتقدند فلسفه گنجاندن عبارت «متهم ولگرد باشد» در آیین دادرسی کیفری، از این حیث که با هیچ یک از اصول جزایی تطبیق نمی‌کند، نامعلوم است. (محسنی، ۱۳۷۵: ۳۶۶) بهتر است این بند کلاً از مصادیق جرم مشهود حذف گردیده و به جای آن، اقدام بر اساس ظن متعارف را جایگزین نمود.

۳- مفهوم مداخله پلیس و شهروندان در جرائم مشهود

ضابطین فقط با شرایط خاصی می‌توانند متهم جرم مشهود را دستگیر و تحت نظر داشته باشند. در صورت ضرورت و نیاز به مدت بیشتر، باید با اجازه کتبی مقام قضایی باشد؛ چرا که در سیاست جنایی، بازداشت یک محدودیت آشکار بر آزادی شهروندان است و باید همراه با شرایط و ضوابط خاص و در محدوده تعیین شده قانون باشد و از آیین و قاعده خاصی پیروی شود.

بررسی و تحلیل جرم مشهود نشان می‌دهد که در کشور ایران، دستگیری توسط اشخاص خصوصی محدود است. تبصره یک ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، در مقام تدوین حق مداخله و دستگیری شهروندان مقرر می‌دارد: «چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطین دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب را دارند

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اختیارات شهروندان عادی است. هرچند در نگاه اول، توجه به مبانی اعطای این حق به اشخاص عادی، چنین حکم می‌کند که آن‌ها از بیش‌ترین اختیارات لازم در این حوزه برخوردار باشند. اما واگذاری اختیار نامحدود با ماهیت استثنایی و حداقلی بودن اعطای این حق مغایر است؛ چرا که قانون‌گذار حتی به ضابطین دادگستری، در غیر جرائم مشهود چنین صلاحیتی اعطاء نکرده است. همچنین، این اختیارات

گسترده بر خلاف حقوق متهم ارزیابی می‌شود. ضمن این که تفسیر موسع باب سوء استفاده از آن را خواهد گشود.

در سیاست جنایی تقنینی چون تنها جنبه‌های دارای حبس و جنایات در زمره جرائم مشهود قرار می‌گیرند، بالتبع، فقط اجازه دستگیری و بازداشت مرتکبان این جرائم وجود دارد. اما در سیاست جنایی تقنینی ایران چون این تقسیم‌بندی جرائم (براساس جنایت، جنبه و خلاف) وجود ندارد، در تمامی جرائم، ضابطین حق دستگیری و بازداشت متهم را دارند. بنابراین، مقنن ایران در این زمینه محدودیت کمتری قائل شده است. البته، مطابق قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطین کمتری قائل شده است. البته، مطابق قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطین در جرائم مشهود منافی عفت و جرائم مشهود اطفال محدودیت‌های دارند. قانون‌گذار اجازه تعقیب و تحقیق در این دسته از جرائم را محدود به موارد جرم مشهود یا شاکی خصوصی کرده است. (احمدی، ۱۳۹۲: ۶۳۹). بررسی و تحلیل نحوه مداخله پلیس و شهروندان در دستگیری متهمان جرم مشهود نشان می‌دهد که مقنن سیاست جنایی مشارکتی را در این نوع جرائم مدنظر دارد. البته شرایط مداخله و موارد قابل اقدام توسط شهروندان متفاوت است. در سیاست جنایی تقنینی ایران طبق تبصره یک ماده ۴۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری یک است. همچنین، در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار به منظور تأمین امنیت جانی و مالی شهروندان در برابر بزهکاران و ناقضان قانون، در مواردی که ضرورت ایجاب می‌کند و امکان دسترسی به مقام قضایی نیست، با ذکر مصادیق جرم مشهود به صورت استثنایی اختیارات ویژه‌ای نظیر جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ صحنه جرم را به مقامات غیرقضایی ضابطین و شهروندان اعطاء کرده است.

ب) ضرورت وجودی ضابطین دادگستری

۱- ضرورت وجودی ضابطین دادگستری

دستگاه قضایی کشور در راستای تحقق بخشیدن به مفاد اصل ۱۵۶ قانون اساسی به ویژه بند چهارم این اصل «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» علاوه بر قوانین خوب پیشرفته به یک نیروی مستعد و کارآمد در جهت کشف و تحقیق جرائم و کلیه اقدامات مرتبط با این امر از قبیل «حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری

متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهمان» نیاز دارد که در حال حاضر به موجب قانون، نیروی انتظامی به عنوان بازوی اجرایی قوه قضاییه (ضابط عام دادگستری) چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارد.

از آنجایی که انجام اینگونه وظایف با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و نظم عمومی جامعه و نیز به نوعی با مفاد اصل ۲۲ قانون اساسی مرتبط می‌باشد. ضرورت دارد که یک پلیس قضایی ورزیده، آگاه، تعلیم دیده و مسلط بر وظایف و مقررات عهده دار چنین مسئولیت حساسی باشد تا از این رهگذر، حقوق و آزادی‌های قانونی و مشروع افراد جامعه بدون هیچگونه عذر و بهانه‌ای محترم شمرده و مراعات گردد. اجرای وظیفه کشف جرائم به جهت اهمیتی که در سلسله اقدامات مربوط به نهاد دادرسی دارد، همواره مورد توجه مسئولان امر بوده است، بطوری که به محض وقوع ساده‌ترین جرم در سطح جامعه، بلافاصله همه نگاه‌ها به سمت مرجع کشف جرم جلب شده و توقع کشف جرم واقع شده را در حداقل زمان ممکن دارند اقدامات و فعالیت‌های قضایی سایر مراجع کیفری تا حدود بسیار زیادی به نحوه کارکرد این مرجع وابسته است و فعالیت مراجع مزبور جهت رسیدگی به جرائم و اجرای احکام، زمانی شروع می‌گردد که این مرجع، وظیفه جرم یابی خود را با تکنیک‌ها و تاکتیک‌های روزآمد و اصول پلیس علمی انجام داده باشد و کوچکترین ضعف، نقص و بی توجهی در این مرحله از اقدامات کشف جرائم برابر تجارب موجود، به هیچ وجه قابل جبران نبوده و در خاتمه رسیدگی قضایی مشهود می‌باشد، به طوری که در اکثر اوقات، ابهامات و پیچیدگی‌های بزرگی در روند رسیدگی به موضوع بوجود می‌آورد که در نهایت منجر به فرار مجرم از چنگال عدالت و بلامجازات ماندن وی می‌شود. شاید بتوان گفت: منشأ تمام بی نظمی‌ها و هرج و مرج‌های اجتماعی، بلامجازات ماندن مجرمان در اثر کشف نشدن جرائم و عدم اثبات آن در مراجع قضایی و موفق به فرار شدن مجرمان از چنگال عدالت، نهفته است.

ضرورت وجودی ضابطین دادگستری به عنوان مرجع کشف جرائم که یکی از موضوعات بسیار مهم حقوق جزایی شکلی می‌باشد تا آنجا که گفته شده است: «به تجربه ثابت شده است آنچه موجب اصلاح جامعه و ارباب مجرمیت می‌گردد شدت مجازات نبوده بلکه پلیس قضایی و ورزیده و قضات متخصص هستند که هر نوع جرم را کشف و فاعل آن را به مجازات می‌رسانند، بطوری که هیچ مجرمی بدون مجازات نماند و هیچ بی گناهی گرفتار عقاب

نگردد که این امر وظیفه اصلی و هدف نهایی حقوق جزای شکلی - آیین دادرسی کیفری است.» (هدایتی، ۱۳۹۴: ۳)

در بیان ضرورت وجودی ضابطین دادگستری به عنوان مرجع کشف جرم چنین بیان شده که: «..... به تجربه ثابت شده است که آنچه موجب اصلاح جامعه و ارباب مجرمین می‌گردد، شدت مجازات نبوده بلکه پلیس قضایی ورزیده و قضات متخصص هستند که هر نوع جرمی را کشف و فاعل آنرا به مجازات می‌رسانند. به طوریکه هیچ جرمی بدون مجازات نمانده و هیچ گناهی گرفتار عقاب نگردد که این امر وظیفه اصلی و هدف نهایی حقوق جزای شکلی است.» (هدایتی، ۱۳۹۴: ۶۴) ضابطین دادگستری به عنوان بازوی اجرایی قوه قضائیه برای تحقق بخشیدن به مفاد اصل ۱۵۶ قانون اساسی به ویژه بند ۴ و ۵ این اصل مشغول انجام وظایف قانونی خود می‌باشند.

۲. سیر تحولات ضابطین دادگستری

با تشکیل جوامع و اجتماعات انسانی، گسترش روزافزون آن و روابط مستمر و تنگاتنگ مردم در ابعاد گوناگون، انسان‌ها به طور عقلی و تجربی دریافته‌اند برای تأمین نیازها، داشتن روابط مناسب و صلح آمیز و برخورداری از امنیت و آسایش نیازمند اصول و قواعدی هستند که منافع آن‌ها نظم اجتماعی و امنیت آن‌ها را حفظ و تأمین می‌کند؛ بدین سان دریافته‌اند که از یک سو تأسیس و اعمال هرگونه قاعده و قانون در جامعه نیازمند واگذاری بخشی از حقوق خود به قدرتی به نام دولت است و از سوی دیگر پذیرفتند که با کسب یک سلسله حقوق، مجموعه‌ای از تکالیف نیز متوجه آن‌ها خواهد بود و بدین سان حقوق متقابل دولت و ملت در جهت تأمین و حفظ منافع مادی و معنوی و بهره‌مندی از نظم و امنیت شکل گرفت. در سرتاسر تاریخ، جوامع مقرراتی را برای نظارت بر رفتار افراد و نیز مجازات‌هایی را برای نقض کنندگان این قواعد وضع کرده‌اند؛ نخستین مدرک حاکی از نیاز یک جامعه باستانی به مقرراتی برای کنترل رفتار انسان‌ها، تقریباً به ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد، یعنی هنگامی که فرمانروایان سومری معیارهایی را برای جرائم علیه اجتماع وضع کردند، این مقررات در طول هزاران سال تغییر داده شدند تا با اوضاع تازه منطبق باشند. مهم‌ترین بخش وضع قواعد و مقررات برای ایجاد نظم و امنیت جامعه و تعقیب مجرمان پیش بینی افرادی برای نگهداری و پاسبانی از محلات، مغازه‌ها و تأسیسات بود (کرمانی، ۱۳۹۴: ۱۰) لازمه جامعه

مدرن در جهان امروز، رعایت حقوق بشر و التزام به قواعد آن از جمله اصل حاکمیت قانون است (حیب زاده، توحیدی فرد، 1392: ۱۱)

ضابطین دادگستری در طول تاریخ ایران تحت عناوین مختلف با توجه به آثار به جا مانده در جهت کمک به حفظ، و اجرای قانون، کشف جرم و تعقیب متهم همواره از جایگاه خاصی در نظام حکومتی و قضایی برخوردار بوده‌اند. در ذیل به تفصیل، این سیر تاریخی مورد باز بینی قرار می‌گیرد. تعریف ضابطین و شناخت انواع آنان با امعان نظر در پاسخگویی با نیازهای جامعه در خصوص وظایف و مسئولیت‌ها بسیار حائز اهمیت است و این امکان را فراهم می‌آورد که اقتدار دستگاه قضا و زیر مجموعه‌های آن در جهت نیل به احقاق حقوق مردم و مالکیت استوار گردد و از تداخل امور که موجب رها شدن یا عدم انجام صحیح آن می‌شود جلوگیری نماید. علاوه بر آن این مزیت را نیز دارد که از تخصص هر یک در پیشگیری از وقوع جرم، شناسایی عوامل زمینه ساز جرم، ایجاد نظم و امنیت اجتماعی و برقراری عدالت استفاده‌ی بهینه می‌شود.

آنچه روشن است این است که اقتضای نظم عمومی علت اصلی پیدایش پلیس است که ابزاری اساسی برای اجرای قانون و حفظ نظم و امنیت در جامعه به شمار می‌رود و نیاز عمومی جامعه به این نهاد بر کسی پوشیده نیست و این پلیس که در معادل امروزی تحت عنوان «پلیس قضایی» بیشتر از آن یاد می‌شود، مبدأ ایجاد آن را باید از زمانی جستجو کرد که وجود نظم و امنیت و لزوم استقرار عدل و داد اهمیت پیدا کرد. از این زمان بود که ضرورت وجود سازمان‌هایی برای برقراری عدالت و مبارزه با زورگویان و معترضان در زندگی اجتماعی انسان‌ها احساس گردید. البته این سازمان‌ها در هر دوره از تاریخ انسان‌ها به تناسب فرهنگ جامعه با شرح وظایف و سازماندهی خاصی ظهور و در تابعیت حاکمان وقت انجام وظیفه می‌نمودند و از جمله اشتراکات این سازمان‌ها در تمام دوره‌ها داشتن وظیفه برخورد با زورگویان و حفظ نظم و امنیت در جهت آسایش عمومی انسان‌ها و دستگیری معترضان به حقوق و آزادی‌های افراد بوده است. (محترمی، ۱۳۸۹: ۱۹)

بعد از انقلاب 1357 اسلامی ایران با تصویب قانون اساسی در سال 1358، اصول کلی حقوق دفاعی متهم در اصول 32 تا 39 و اصل 165 تا 171 مورد تأیید قرار گرفت و در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری 1378 و ق.ح.ش در سال 1383 به اصولی از حقوق متهم توجه شده است اما در قانون آیین

دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ این موضوع پر رنگ‌تر دیده شده است و از محاسن و نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ این است که برای حفظ حقوق متهم، بزه دیده و جامعه تمهیداتی اندیشیده شده است، البته بدیهی است که دستگاه قانون گذاری نیز باید به پیروی از مبانی تاریخی صدر اسلام و توصیه‌های معصومین(ع) الزاماتی برای حفظ حقوق عامه وضع نماید، زیرا برای حفظ امنیت و حقوق افراد جامعه ضوابط و معیارهایی لازم و ضروری است که فقدان این ضوابط و ضمانت‌های اجرایی آن باعث ناامنی جامعه و تضییع حقوق افراد جامعه انسانی می‌گردد و یکی از اموری که در توجه به حقوق انسان‌ها باید مورد توجه قرار گیرد رعایت حقوق متهم است که به هر نحوی مورد اتهام واقع شده است دانش اجتماعی و موضوع آن انسان اجتماعی است.

هدف علم حقوق، تأمین عدالت اجتماعی و اخلاق در سطح جامعه و توزیع عدالت بر افراد اجتماع است. قوانین نقش بسیار مهمی در تکوین حقوق و تحقق هدف آن که همان عدالت و اخلاقی است دارند. همواره تلاش و لذا بر اساس رعایت قانون گذاران در جوامع بر این بوده که قوانینی وضع نماید که عدالت را تأمین کند عدالت و اجرای این اصل بسیار مهم لازم است مقرراتی در حقوق کیفری شکل بگیرد تا اهداف نظام کیفری در حمایت از حقوق افراد محقق گردد(موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۶: ۵۳) حقوق کیفری که هدفش حمایت از امنیت و جان و مال مردم است باید به دو شعار ضرورت و عدالت توجه نماید: ضرورت یعنی آنچه که برای جامعه ضروری است در قانون مطرح گردد و عدالت یعنی تمام آنچه ضروری است در قانون در نظر گرفته شود نه کمتر و نه بیشتر. از این رو هدف نظام عدالت کیفری، حفظ نظم و امنیت جامعه و برقراری عدالت است. (الهی منش، ۱۳۸۹: ۲۳۸)

۳. پیشینه مداخله ضابطین دادگستری پلیس در جرائم مشهود

هرچند تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقررۀ صریحی در سیاست جنایی ایران مبنی بر حق دستگیری یافت نمی‌شود، اما حقوق دلان دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح می‌کردند. عده‌ای این حق را به استناد نهادهای دیگر حقوق کیفری به رسمیت شناخته و برخی نیز عقیده بر عدم وجود این حق داشته‌اند. البته در یک نگاه کلی، مبانی و اهداف گوناگونی از جمله حفظ منافع و نظم عمومی، دسترسی به متهم و امکان

اجرای عدالت، جلوگیری از فرار و تبانی مرتکب، پیش‌گیری از تکرار جرم و حمایت از بزه‌دیده و بزه‌کار، توجیه‌کننده دستگیری و بازداشت متهمان است. علاوه بر موارد مذکور، حقوق‌دانان که متن صریحی را پیش روی خود نمی‌دیدند، سعی در توسل به مستندات دیگر برای توجیه حق دستگیری شهروندی داشته‌اند.^۲ همین اختلاف نظرها و نبود مستندات قانونی، مقنن را به سمت و سویی دلالت داد تا تبصره ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را برای پایان بخشیدن به این تشتت آراء تدوین کند (مهر، ۱۳۹۵: ۲۱). در این تبصره، دو ضابطه کلی (جرم باید از جرائم مشهود باشد و ضابطین دادگستری در محل حضور نداشته باشند) برای امکان دستگیری شهروندی بیان شده است (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۲). همچنین، این تبصره بدون آن که تعریفی از جرائم مشهود ارائه دهد، در ۷ بند به ذکر مصادیق آن پرداخته است. لذا هر چند شناسایی و تشخیص جرائم مشهود به سادگی امکان‌پذیر نیست، اما با تحقق سایر شرایط، چنانچه جرمی در زمره هر یک از بندهای این ماده قانونی قرار گرفت و شهروندان حق دستگیری متهمان را خواهند داشت؛ چرا که ضرورت، سرعت و فوریت اقدام در این نوع جرائم لازم است و تشریفات قضایی و پلیسی با طبع این جرائم ناسازگار است. البته با توجه به شرایط خاص حاکم بر جرائم مشهود، در سیاست کیفری ایران شرایط و مقررات ویژه‌ای برای رسیدگی به آن پیش‌بینی شده است. مشهود بودن این جرائم، مهم‌ترین شرط دستگیری مرتکبان آن برای ضابطین قضایی محسوب می‌شود و فلسفه اعطای اختیار ویژه به ضابطین در جرائم مشهود، عدم دسترسی به مقام قضایی برای کسب تکلیف است. هر چند به دلیل عدم صراحت قانونی، ضابطین فقط در مواردی که جرم با توجه به دلایل مادی، مشهود واقعی باشد، اقدام به دستگیری مرتکب می‌کنند (غلامی رزینی و غلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). بنابراین، در نظام حقوقی ایران براساس شرایط موجود در ماده ۲۱ ق.آ.د.ک، اگر هاموران متهم را تعقیب و در ادامه تعقیب وارد منزل وی شوند، بدون کسب اجازه از مقام قضایی می‌توانند وارد منزل شوند. البته

^۲ از جمله این مبانی و مستندات می‌توان به نهاد اجرای قانون اهم یعنی محاکمه و مجازات متهم، دفاع مشروع از خود یا دیگری که هر دو زیرمجموعه عوامل موجهه جرم هستند، ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ و حتی نهاد شرعی امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

طبق ماده ۱۱۵ ق.آ.د.ک، ضابطین بدون دستور قضایی زمانی مجاز به ورود به منزل و بازرسی از آن را دارند که دستگیری متهم از هتک حرمت منزل اشخاص مهم‌تر باشد؛ چرا که در سیاست جنایی ایران، جرم مشهود اینگونه بیان شده است: «جرمی است که در حال ارتکاب یا اندکی پس از زمان ارتکاب کشف شود و آثار و علائم جرم نیز قابل دیدن باشد». البته شرط اطلاق جرم مشهود را تحقق ضوابط خاص عنوان شده و مصادیق آن در ماده ۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است.^۳ نکته قابل ذکر در این مبحث این است که قانون‌گذار ایران جرم مشهود را تعریف نکرده و صرفاً به ذکر مصادیق آن اکتفا کرده است. بنابراین، آثار ناشی از عدم تشخیص مصادیق جرم مشهود توسط ضابطین دادگستری بسیار زیاد است؛ چرا که در اغلب موارد، مبنا و اساس پرونده‌های کیفری در جرائم مشهود را اقدامات اولیه ضابطین قضایی تشکیل می‌دهند. با عنایت به اینکه ضابطین در مواجهه با جرائم مشهود به موجب مفاد ۲۴ و ۱۸ رأساً صلاحیت دارند آزادی مادی (دستگیری و بازداشت متهمان) و آزادی معنوی (بازرسی منزل و غیره) مرتکبان جرائم مشهود را عندالزوم سلب کنند. اختیارات بیشتری از جمله اقدامات و تحقیقات فوری، ورود و تفتیش منازل، اماکن و اشخاص و نیز جلب اشخاص حتی بدون اجازه مقام قضایی و به طور کلی، جمع‌آوری دلایل به ضابطین واگذار شده است. هرچند به اندازه نظام حقوقی فرانسه و انگلستان، ضابطین دادگستری آزادی اقدام ندارد. اما باید ضابطین قضایی در تشخیص مصادیق جرائم مشهود، دستخوش خطاها و اشتباهات نشوند؛ چرا که در صورت اشتباه و تقصیر در تشخیص جرائم مشهود و دستگیری متهمان

^۳ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده یا بلافاصله مأموران یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. - در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند و مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص، معینی را مرتکب جرم معرفی کند. - بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضح یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود. - در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد قرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود. - در موردی که صاحب‌خانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأموران را به خانه خود تقاضا کند. - وقتی که متهم ولگرد باشد.»

یا بازداشت و بازرسی غیر قانونی اشخاص، برابر قانون مجازات اسلامی مورد بازخواست و مجازات قرار خواهند گرفت.

نتیجه گیری

ضابطین دادگستری از مهمترین مفاهیم در قانون آیین دادرسی کیفری در ایران است. آنها وظیفه نظم بخشی به زندگی اجتماعی را دارند. در این مقاله تلاش شد تا ابتدا مفهوم ضابطین دادگستری پرداخته شود. پس از آن به مفهوم جرم مشهود و انواع آن از نگاه قانون پرداخته شد. قانون گذار جرایم مشهود را به دو گونه واقعی و حکمی تقسیم کرده است اما همانطور که اذعان شد در تعریف جرم مشهود حکمی عدم تصریح..... دیده می شود. همچنین در این مقاله تلاش شد تا ضرورت وجودی ضابطین تشریح شود. ضابطین قضایی ابزاری برای برقراری نظم زندگی اجتماعی، عدالت و اجرای قوانین هستند. تصور زندگی اجتماعی و برقراری عدالت بدون حضور ضابطین دادگستری ناممکن است. نویسندگان کوشش کردند تا ضمن مفهوم شناسی از ضابط دادگستری و جرم مشهود ضرورت وجودی و همچنین تاریخچه حضور ضابطین دادگستری در ایران را شرح دهند. آنچه مسلم است قانون گذار ضرورت وجود ضابطین دادگستری برای برقراری نظم و عدالت را به خوبی درک کرده و همچنین با مشخص کردن ویژگی ها و اختیارات آنها حقوق شهروندان را تضمین کرده است.

منابع

کتب

۱. آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، آئین دادرسی کیفری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.
۲. آشوری، محمد (۱۳۹۱)، آیین دادرسی کیفری، ویرایش سوم، انتشارات سمت چاپ شانزدهم.
- ۳.
۴. زراعت، عباس و مهاجری، علی (۱۳۹۸)، شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌ها در امور کیفری، قم، نشر فیض.
۵. زراعت، عباس (۱۳۸۶)، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
۶. زراعت، عباس، حاجی زاده، حمیدرضا، متولی جعفر آبادی، یاسر (۱۳۸۸)، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی، چاپ سوم، انتشارات خط سوم.
۷. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، جلد اول چاپ دوم انتشارات پازنگ.
۸. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۷)، کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل.
۹. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۸۰)، تقریرات درس آیین کیفری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۰. الهی منش، محمدرضا (۱۳۸۹)، قرار بازداشت موقت و جایگزین‌های آن، چاپ اول، انتشارات مجد.
۱۱. یعقوبی، عبداله‌اشم (۱۳۸۲)، نحوه رسیدگی به جرائم در دادسرا و دادگاه‌های دادگستری، تهران، نشر فردوسی، تهران، چاپ ششم.

۲. مقالات

۱۲. مهرا، نسرین و جهانی، بهزاد (۱۳۹۵)، دستگیری شهروندی در حقوق ایران و انگلیس، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره چهاردهم.